

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَأْلُوهٍ،  
وَوَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ.

خدا را سپاس که مالک و مدبّر جهانیان است. خداوندا سپاس ویژه توست؛ ای پدید آورنده آسمانها و زمین! ای صاحب بزرگی و رافت و محبت! ای مالک همه اربابان و ای خدای هر معبود و خالق هر مخلوق و وارث هر چیز! «چیزی شبیه او نیست» و علم چیزی از او پنهان نمی ماند و او به هر چیز احاطه دارد و او بر هر چیز نگهبان است.

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرَّدُ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ،  
الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ الشَّدِيدُ الْمِحَالِ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ  
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ  
الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الدَّانِي  
فِي عُلُوِّهِ وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ.

تویی خدایی که جز تو خدایی نیست و یکتا و یگانه ای، فرد و تنهایی. و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بزرگوار و ارجمندی، بزرگ و باعظمتی، کبیر و متکبری. و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بلند مرتبه و بلند پایه ای، در انتقام گیری سخت و شدیدی، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بخشنده و مهربانی، دانا و درست کاری. و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، شنوا و بینایی، ازلی و آگاهی، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بزرگوار و بزرگوارتری، همیشگی و جاودانه تری. و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، اولی پیش از هر کس و آخری پس از هر عدد، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، نزدیک در عین بلندی مقامش و بلند مقام در عین نزدیکی اش.

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ  
غَيْرِ سَنَخٍ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا،

وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَبْسِيرًا وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا، أَنْتَ الَّذِي لَمْ يَعْينِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَلَمْ يُؤَاوِرَكَ فِي أَمْرِكَ  
وَزَيْرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ.

و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، صاحب زیبایی و شکوه و عظمتی و کبریایی و ستایشی، و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست که همه چیز را بدون مایه و اصل پدید آوردی و آنچه را صورت و شکل دادی، بدون نمونه‌برداری از چیزی شکل دادی و پدید آوردی نوآفریده‌ها را بدون پیروی از کسی. تویی که هر چیز را در نیکوترین وضع، اندازه‌گیری کردی؛ و هر چیز را، از نظر تمام خصوصیات رو به راه فرمودی؛ و امور ماسوای خود را سامان دادی. تویی که در ایجاد موجودات شریکی یاری‌ات نداد و در کارت وزیری به پشتیبانی‌ات برنخاست؛ و برایت در امور آفرینش، تماشاگر و همانندی نبود،

أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي  
لَا يُخَوِّيكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُعْيِكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ؛ أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ  
لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا، وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنِ ذَاتِيَّتِكَ، وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنِ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ  
تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ.

تویی که اراده کردی؛ پس هر چه را اراده کردی، حتمی و قطعی شد و داوری کردی؛ و آنچه را داوری کردی، بر اساس عدالت بود؛ و حکم کردی؛ و آنچه را حکم کردی، بر پایه انصاف بود، تویی که مکانی تو را فرا نمی‌گیرد و سلطنتی در برابر سلطنتت به پا نخاست و برهان و بیانی عاجزت نساخت. تویی که هر چیز را به شمار آوردی و برای هر چیزی مدت قرار دادی و هر چیز را به خوبی اندازه گرفتی، تویی که دست اندیشه‌ها از رسیدن به ژرفای ذاتت کوتاه است و فهم‌ها از درک چگونگی‌ات ناتوان است و دیده‌ها مکانت را در نیابند.

أَنْتَ الَّذِي لِاتِّحَادٍ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونِ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا، أَنْتَ الَّذِي لِأَضْدٍ مَعَكَ  
فَيَعَانِدُكَ، وَلَا عَدْلَ لَكَ فَيَكَاثِرُكَ، وَلَا نِدًّا لَكَ فَيَعَارِضُكَ؛ أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ وَاخْتَرَعَ وَاسْتَحْدَثَ وَابْتَدَعَ، وَأَحْسَنَ صُنْعَ  
مَا صَنَعَ. سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ، وَأَسْنَى فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانَكَ، وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ  
وَرَوْوْفٍ مَا أَرَأَفَكَ وَحَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ.

تویی که ابتدا و انتهای نداری تا محدود شوی و مانند موجودات نیستی که پس از عدم، موجود شده باشی؛ و فرزندی نیافریدی تا زاییده شده باشی؛ تویی که برایت همتایی نیست تا با تو به ستیز برخیزد و همانندی برایت نیست تا در قدرت و سطوت و توانایی، با تو پهلو به پهلو زند؛ و برابر و همانندی برایت نیست تا با تو از در

مخالفت برآید. تویی که آغاز کرد و اختراع نمود و پدید آورد و بدون نمونه آفرید و محکم و نیکو قرار داد ساختن آنچه را ساخت. منزّه و پاکی؛ چه بزرگ است مقام و مرتبه‌ات؛ و چه بلند است در میان جایگاه‌ها، جایگاهت؛ و چه آشکارکننده به حق است قرآنت و موازینی که برای جدا کردن حق از باطل قرار داده‌ای. منزّه و پاک و مهربانی که چه بسیار است مهربانی‌ات؛ و رؤوفی که چه بسیار است رأفتت؛ و حکیمی که چه بسیار است شناسایی‌ات.

سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ، وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَعَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ فَمَنِ التَّمَسَّكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ. سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ لِعِظْمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَأَنْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلَّ خَلْقِكَ. سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ، وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُمَسُّ، وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ، وَلَا تُتَارَعُ وَلَا تُجَارَى، وَلَا تُمَارَى، وَلَا تُخَادَعُ وَلَا تُمَآكَرُ.

منزّه و پاکی؛ پادشاهی که دست معارضی به مرز پادشاهی‌ات نرسد و بخشنده‌ای که سفره بخشندگی‌ات چه پهناور است؛ و بلند مرتبه‌ای، چه بلند مرتبه است رفعتت. تو صاحب زیبایی و آراستگی و کبریایی و ستایشی. منزّه و پاکی، دست قدرتت را به عطا کردن خوبی‌ها گشودی و هدایت از نزد تو شناخته شد؛ پس هر که تو را برای دین یا دنیا بخواهد، می‌یابدت. منزّه و پاکی، هر کس در عرصه علم تو قرار گرفته، برایت فروتنی کرد؛ و جمع آفریده‌هایت، در برابر بزرگی‌ات فروتنی کردند؛ و همه مخلوقات در پیشگاه تو، گردن‌بند تسلیم به گردن انداختند. منزّه و پاکی، به حواس ظاهری درک نشوی؛ و به حواس درون در نیایی؛ و به اعضا و جوارح لمس نگردی؛ مورد نیرنگ و کید واقع نشوی؛ از بزرگی و عظمتت کنار زده نشوی؛ در معرض نزاع و مغلوبیت و جدال و فریب و مکر قرار نگیری.

سُبْحَانَكَ سَيِّلِكَ جَدِّدٌ، وَأَمْرِكَ رَشْدٌ، وَأَنْتَ حَيٌّ صَمْدٌ. سُبْحَانَكَ قَوْلِكَ حَكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حَنَمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ. سُبْحَانَكَ لِأَرَادَ لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مَبْدَلٌ لِكَلِمَاتِكَ. سُبْحَانَكَ قَاهِرَ الْأَرْبَابِ، بَاهِرَ الْأَيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِي النَّسَمَاتِ. لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومٌ بِدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ. وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ.

منزه و پاکی، راهت روشن و هموار، دستورت هدایت است و تو زنده و بی‌نیازی. منزّه و پاکی؛ گفتارت درست و استوار و داوریات قطعی و اراده‌ات جزمی و مسلم است. منزّه و پاکی؛ در برابر مشیتت، ردکننده‌ای نیست؛ و در مقابل کلماتت، تبدیل‌کننده‌ای وجود ندارد. منزّه و پاکی، ای صاحب آیات روشن! ای به وجود آورنده

آسمان‌ها! ای آفریننده موجودات! تو را سپاس، سپاسی که جاودانگی‌اش به جاودانگی‌ات ادامه پیدا کند. و تو را سپاس؛ سپاسی که همراه نعمتت پاینده باشد؛ و تو را سپاس؛ سپاسی که با شماره آفریده‌هایت برابری کند. و تو را سپاس؛ سپاسی که بر خشنودی‌ات بیافزاید.

وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ، حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ. حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْأَخِيرِ. حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأُزْمَةِ، وَيَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً، حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفِظَةُ، وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ، وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ،

و تو را سپاس؛ سپاسی که با سپاس هر سپاسگزاری توأم باشد؛ و شکر هر شاکری از آن کوتاه آید. سپاسی که سزاوار غیر تو نباشد؛ و به وسیله آن جز به تو تقرّب جسته نشود. سپاسی که باعث دوام سپاس اول و سبب درخواست دوام سپاس آخر شود. سپاسی که بر اساس گردش زمان‌ها چند برابر گردد و به افزایش‌های پی‌درپی فزونی یابد. سپاسی که حافظان اعمال از شمردنش ناتوان شوند و بر آنچه کاتبان اعمال در کتاب تو می‌نویسند، افزون گردد. سپاسی که با عرش ستودنی‌ات، یکسان و برابر؛ و با کرسی بلندت، معادل شود.

حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ، حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِصَدَقِ النَّيَّةِ فِيهِ؛ حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَلَا تَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ؛ حَمْدًا يُعَانُ مِنَ اجْتِهَادِ فِي تَعْدِيدِهِ، وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ، حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ. حَمْدًا لِأَحْمَدٍ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ. حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوَفُورِهِ، تَصْلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا مِنْكَ. حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ، وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ.

سپاسی که پاداشش از جانب تو کامل گردد و مزدش همهٔ مزدها را فرا گیرد. سپاسی که ظاهرش موافق باطنش و باطنش موافق صدق نیت باشد. سپاسی که هیچ آفریده‌ای مانند آن را به جا نیاورده و کسی جز تو ارزشش را نشناسد. سپاسی که هر کس برای بسیار آوردنش بکوشد، یاری شود؛ و هر کس در کامل آوردنش نهایت جدیت را به کار برد، مورد حمایت قرار گیرد. سپاسی که هر چه سپاس آفریده‌ای، دارا باشد؛ و هر چه را پس از آن به وجود آوری، در برگیرد. سپاسی که هیچ سپاسی به کلامت، از آن نزدیک‌تر و هیچ کس از آن کسی که این‌گونه سپاس می‌گوید، سپاسگزارتر نباشد. سپاسی که به سبب کرم‌ت و به خاطر فراوانی‌اش، باعث فزونی نعمت شود؛

و از باب احسان، پس از هر فزونی، آن را به فزونی دیگر رسانی. سپاسی که شایسته ذات کریمت باشد و با توانمندی و عظمتت برابری کند.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ الْمُصْطَفَى الْمُكَرَّمِ الْمُقَرَّبِ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعِ رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تُكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا. وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تُكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا. وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تُكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ. وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ؛ وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا؛ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَبِتَّصِلُ اتِّصَالَهَا بِبَقَائِكَ، وَلَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ.

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ آن انسان پسندیده، برگزیده، گرامی و مقرب، برترین درودهایت را؛ و بر او برکت نازل کن، کاملترین برکاتت را؛ و بر او رحمت آر، پر بهره‌ترین رحمت‌هایت را. پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست، درودی فزون‌پذیر که درودی فزون‌پذیرتر از آن نباشد؛ و بر او درودی فزاینده فرست که درودی فزاینده‌تر از آن به عرصه نیاید؛ و بر او درود فرست، درودی پسندیده که درودی بالاتر از آن نباشد. پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست، درودی که او را خشنود کند و بر خشنودیش بیافزاید؛ و بر او درود فرست، درودی که تو را خشنود کند و بر خشنودیت به خاطر او بیافزاید؛ و بر او درود فرست، درودی که جز به آن خشنود نشوی و غیر او کسی را شایسته آن ندانی. پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست، درودی که از خشنودی تو فرارود و پیوندش به جاودانی تو وصل شود و پایان‌پذیرد، چنانکه کلمات تو پایان‌نمی‌پذیرد.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَتَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ؛ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأْنَفَةٍ. وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ صَلَاةً مَرْضِيَةً لَكَ وَلِمَنْ دُونَكَ، وَتُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لِأَيَّامِهَا غَيْرِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِي اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ، وَخَلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَظَهَرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ.

پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست، درودی که درود فرشتگان و پیامبران و رسولان و اهل طاعتت را به رشته نظم درآورد؛ و شامل درود بندگان، از جن و انس و پذیرندگان دعوت گردد و درود هر که را از انواع آفریده‌هایت به وجود آوردی و پدید کردی، گرد آورد. پروردگارا! بر او و آلش درود فرست، درودی که هر درود

گذشته و جدید را در برگیرد؛ و بر او و آتش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد؛ و علاوه بر آن درودهایی را ایجاد کنی که در کنارش، درودهای گذشته را چند برابر کنی؛ و با گذشت روزگاران، چندان بر آن بیافزایی که کسی جز تو نتواند آن را به شماره آورد. پروردگارا! بر پاکیزه‌ترین‌ها از اهل بیت او درود فرست، اهل بیتی که برای اجرای فرمانت انتخاب کردی؛ و آنان را خزانه‌داران دانشت و حافظان دینت و جانشینانت در زمینت و حجت‌هایت بر بندگانت قرار دادی؛ و آنان را به اراده‌ات، از پلیدی و آلودگی به طور کامل پاک کردی؛ و وجود مبارک‌شان را وسیله‌ای به سوی خود و راه مستقیمت به جانب بهشتت، قرار دادی.

رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُؤَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لِأَمَدٍ فِي أَوْلِيَّهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَلَا نِهَائَةَ لِآخِرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلًّا سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى، وَمُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَدًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَمْرِهِ وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَأَلَّا يَتَّقَدَّمَهُ مُتَّقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ.

پروردگارا! بر محمد و آتش درود فرست، درودی که به سبب آن، بخشش و بزرگواری‌ات را در حق آنان بزرگ گردانی؛ و عطا و بخشش‌های افزونت را برای آنان کامل گردانی؛ و نصیب آنان را از نیکی‌ها و بهره‌هایت، سرشار کنی. پروردگارا! بر پیامبر و آتش درود فرست، درودی که آغازش را مرزی و مدتش را پایانی و آخرش را نهایی، نباشد. پروردگارا! بر آنان درود فرست، هم‌وزن عرش و آنچه غیر عرش است؛ به گنجایش آسمان‌ها و آنچه فوق آن‌هاست؛ و به اندازه زمین‌ها و آنچه در زیر آن‌ها و در بین آن‌هاست؛ درودی که آنان را به قرب تو رساند و مایه خشنودی تو و آنان شود و برای همیشه به ماندنها و امثال آن متصل گردد. خداوندا تو در هر زمان، دینت را به وجود امامی یاری دادی، امامی که او را نشانه‌ای برای بندگانت جهت یافتن راه حق و مشعلی فروزان در سرزمین‌هایت برپا داشتی؛ پس از آن که رشته ارتباطش را به رشته ارتباط خود پیوند دادی و او را سبب دست‌یابی به خشنودی‌ات قرار دادی و طاعتش را واجب و از نافرمانی‌اش بیم دادی و مردم را به فرمان بردن از دستوراتش و باز ایستادن از نهی‌اش و پیشی نجستن بر حضرتش و پس نماندن از وجود مقدّسش، دستور دادی. که او پناه پناهندگان و محل پناه بردن مؤمنان و دستگیره چنگ‌زنندگان و شکوه جهانیان است.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لِيُؤْتِكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَأْتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ وَأَشْدُدْ أَرْزُهُ، وَقَوِّ عَضُدَهُ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَأَنْصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَأَمُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْأَعْلَبِ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَا الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَأَبْنِ بِهِ الصَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَأَمَحِقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا، وَأَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ وَأَبْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ.

خداوندا سپاس گزاردن نعمت‌هایی که به ولی‌ات عنایت کردی، به او الهام فرما؛ و ما را نیز به سپاسگزاری نعمت وجود ولی الهام کن؛ و از سوی خویش، به حضرت او، فروانروایی و قدرت یاری دهنده عطا فرما؛ و در فتح و پیروزی آسانی را به رویش بگشا؛ و او را به نیرومندترین تکیه‌گاه خود یاری ده؛ پشتش را محکم و بازویش را قوی فرما؛ و به نظر عنایت و لطف، او را در سایه مراقبت و نگهداری‌ات قرار ده؛ و به حفظت او را حمایت کن؛ و به فرشتگان او را یاری ده؛ و به نیرومندترین سپاهت، کمکش کن. و به وسیله او قرآنت و حدودت و قوانینت و روش‌های رسالت را -که درودت بر او و آتش باد- به‌پا دار. آنچه از نشانه‌های دینت را ستمکاران میرانده‌اند، به وجود امام زنده کن؛ و به وسیله او زنگار ستم را از راهت پاک کن؛ و ناهمواری را از جاده‌ات برطرف فرما؛ و منحرفین از راهت را از میان بردار؛ و آنان که قصد ایجاد کجی و اعوجاج در دینت را دارند، هلاک کن. و دلش را نسبت به دوستانت نرم و دست قدرتش را برضد دشمنانت، گشوده ساز؛ و مهربانی و رحمت و عطوفت و دل‌سوزی‌اش را به ما ببخش؛ و ما را نسبت به او شنوا و فرمان‌بردار و در راه به دست آوردن خشنودی‌اش کوشا و در یاری و دفاع از او مددکار، قرار ده؛ تا به وسیله این امور، به تو و به رسالت -که درودت بر او و آتش باد- تقرب جوییم.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّاكَيَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ، يَوْمُ شَرَفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنْنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَأَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ.

خداوندا بر دوستان محمد و آل محمد درود فرست، دوستانی که به مقام‌شان اقرار دارند، پیرو راه‌شان هستند، دنباله‌رو آثارشان می‌باشند، چنگ‌زننده به دستگیره محکم و استوارشان هستند، به ولایت‌شان تمسک دارند، به امامت‌شان اقتدا می‌کنند، به دستورات‌شان تسلیم‌اند، در فرمان‌برداری از آنان کوشایند، منتظر حکومت و قدرت پیروزی آنان‌اند، چشم دوخته به ایشان‌اند. درودهای مبارک، پاکیزه، فزاینده صبحگاهان و شامگاهان، بر آنان باد. و بر ایشان و بر ارواح‌شان درود فرست و کارشان را بر اساس تقوا فراهم آور و شئون زندگی و احوال‌شان را سر و سامان بخش و توبه آنان را بپذیر؛ همانا تو بسیار توبه پذیر و مهربانی؛ و بهترین آمرزندگانی و ما را به رحمت همراه آنان در جایگاه امن و امان قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان! خداوندا این روز، روز عرفه است؛ روزی که آن را شرافت و کرامت و عظمت دادی؛ سفره رحمت را در آن گستردی و در آن به بخشش بر بندگان منت نهادی و عطایت را در آن بزرگ کردی و به وسیله آن بر بندگان تفضل و احسان فرمودی.

اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ، وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَوَقَّعْتَهُ لِحَقِّكَ، وَعَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَأَدْخَلْتَهُ فِي حِرْبِكَ، وَأَرْشَدْتَهُ لِمَوْلَاةٍ أَوْلِيَانِكَ، وَمُعَادَاةٍ أَعْدَائِكَ. ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزِجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَأُمْعَانَدَةً لَكَ وَلَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَإِلَى مَا حَذَرْتَهُ، وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَاثِقًا بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا يَفْعَلْ. وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا، خَاضِعًا خَاشِعًا، خَائِفًا مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَجَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لِأَنْذَا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا يَمْتَعْنِي مِنْكَ مَانِعٌ.

خداوندا من بنده تو هستم که پیش از آفریدنش و پس از به وجود آمدنش، بر او مهربانی و بخشش کردی؛ پس او را از جمله کسانی قرار دادی که به آیینت هدایت کردی و برای ادای حقت توفیقش دادی و با ریسمان رحمت و لطفت حفظش کردی و در حزب خود واردش فرمودی؛ و به دوستی دوستانت و به دشمنی دشمنانت، ارشادش کردی. سپس او را دستور دادی، ولی فرمان نبرد. از زشتی‌ها بازش داشتی، ولی باز نایستاد. از گناهات نهی‌اش فرمودی، ولی دستورت را مخالفت کرد و به سوی نهی‌ات شتافت. نه از باب دشمنی با تو و گردنکشی در برابر تو؛ بلکه هوای نفسش او را به چیزی دعوت کرد که تواس از آن دور کردی و بر حذر داشتی؛ و دشمنت و دشمنش او را در این زمینه کمک داد تا در عین معرفت به تهدیدت بر گناه اقدام کند، در حالی که به بخشش امیدوار و به گذشت اطمینان داشت؛ در صورتی که او با این همه محبتی که در حقش مبذول داشتی و این همه نعمتی که به او بخشیدی، سزاوارترین بندگان بود که مرتکب نافرمانی نشود و قدم در عرصه گناه نگذارد. اینک منم



که در برابرت قرار دارم؛ خوار، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان و معترف به گناهان بزرگی که بر دوش برداشته‌ام و خطاهای سنگینی که مرتکب شده‌ام، در حالی که به رحمت پناهنده‌ام و به رحمت متمسکم. یقین دارم که امان دهنده‌ای مرا از عذابت امان نمی‌دهد و بازدارنده‌ای مرا از کيفرت باز نمی‌دارد.

فَعُدُّ عَلَيَّ بِمَا تَعُوذُ بِهِ عَلَيَّ مَنِ اقْتَرَفَ مِنْ تَعْمُدِكَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مَنْ اَلْقَى بِيَدِهِ اِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَاَمْنُنْ عَلَيَّ بِمَا يَتَعَاطَمُكَ لِأَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مَنْ اَمَلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ. وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا اَلْيَوْمِ نَصِيْباً اَنَالَ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَاِنِّي وَإِنْ لَمْ اُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ، فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ، وَنَفْيَ الْاَضْدَادِ وَالْاَنْدَادِ وَالْاَشْبَاهِ عَنْكَ، وَاَتَيْتُكَ مِنَ الْاَبْوَابِ الَّتِي اَمَرْتَ اَنْ تُؤْتِيَ مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ اِلَيْكَ بِمَا لَا يُقَرَّبُ بِهِ اَحَدٌ مِنْكَ اِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ، ثُمَّ اتَّبَعْتُ ذَلِكَ بِالْاِثَابَةِ اِلَيْكَ، وَالتَّدَلُّلِ وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَالثَّقْفَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ.

بنابراین ای که به خاطر بدکرداری‌ام از من رو گردانده‌ای، به من بازگرد؛ همان‌گونه که با پوششت نسبت به کسی که مرتکب گناه شده باز می‌گردد؛ و از عفو تو به من ببخش، همان‌گونه که از عفو تو به تسلیم‌شده به حضرتت می‌بخشی؛ و با آمرزشت بر من منت گذار، همان‌گونه که از آمرزشت بر کسی که نسبت به تو امیدوار است منت می‌گذاری. این کار در نظرت بزرگ نمی‌آید. و در این روز نصیبی برایم قرار ده که به سبب آن به بهره‌ای از خشنودیت دست یابم؛ و مرا از آنچه کوشش‌کنندگان در عبادتت به آن باز می‌گردند - که پاداش و ثواب عظیم توست - تهی دست باز مگردان. من گرچه اعمال شایسته‌ای که آنان پیش فرستادند، پیش نفرستادم؛ ولی توحیدت و نفی همانند و همتاها و شبیه‌ها را از وجود مبارکت پیش فرستادم؛ و از همان درهایی که فرمان دادی از آنها وارد بر تو شوند، وارد شدم؛ و با وسیله‌ای به تو تقرّب جستم که کسی جز با تقرّب به آن، به مقام قرب تو نرسد. سپس با توبه و زاری به پیشگاهت و اظهار ذلت و مسکنت برایت و حسن ظنّ به حضرتت و اعتماد به آنچه که نزد توست، تقرّب جوئی را دنبال کردم؛ و امید به تو را که کمتر امیدواری با داشتن آن نومی‌شود، ضمیمه آن نمودم.

وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيْرِ الدَّلِيْلِ، الْبَائِسِ الْفَقِيْرِ، الْحَائِفِ الْمُسْتَجِيْرِ، وَمَعَ ذَلِكِ خِيْفَةً وَتَضَرُّعاً وَتَعَوُّدًا وَتَلَوُّدًا، لِامْسْتَطِيْلًا بِتَكْبُرِ الْمُتَكَبِّرِيْنَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَةِ الْمُطِيْعِيْنَ، وَلَا مُسْتَطِيْلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِيْنَ، وَاَنَا بَعْدُ اَقْلُ الْاَقْلِيْنَ، وَاَذَلُّ الْاَذَلِّيْنَ، وَمِثْلُ الدَّرَّةِ اَوْ دُونِهَا. فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيْبِيْنَ، وَلَا يَنْدُهُ الْمُتْرَفِيْنَ، وَيَا مَنْ يَمُنُّ بِاِقَالَةِ الْعَاثِرِيْنَ، وَيَتَفَضَّلُ بِاِنْظَارِ الْخَاطِئِيْنَ. اَنَا الْمُسِيْءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، اَنَا الَّذِي اَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا، اَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا، اَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ، اَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَاَمْنَكَ،

و از تو درخواست کردم؛ درخواست شخص کوچک، خوار، نیازمند، تهی دست، ترسان و پناه‌خواه؛ با این حال، درخواستم از روی بیم و زاری و پناه‌خواهی و ملجأطلبی بود؛ نه از روی گردن‌کشی به مانند کبر متکبران؛ و نه از روی خاطر جمعی به مانند خاطر جمعی مطیعان؛ و نه از روی بلندپروازی، مانند بلندپروازی کسی که به شفاعت شفیعیان مطمئن است. و من گذشته از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و همانند ذره یا کوچک‌تر از آنم. ای که در کیفر بدکاران شتاب نکردی و نعمت نازپروردگان غرق در عیش و نوش را منع نمودی! ای که به گذشت از لغزش، بر لغزش داران منت می‌نهی؛ و به مهلت دادن به خطاکاران، احسان می‌ورزی! منم بدکار، منحرف به گناه، خطاکار، لغزش‌دار. منم که از روی جرأت بر تو اقدام به گناه کردم. منم که از روی عمد تو را معصیت کردم. منم که خود را به وقت گناه از بندگانت پنهان کردم؛ ولی آشکارا به مخالفت با تو برخاستم. منم که از بندگانت ترسیدم؛ ولی خود را از تو ایمن و آسوده دیدم،

أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطْوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ، أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَيْتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَمَنْ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوْلَاتَهُ بِمَوْلَاتِكَ، وَمَنْ نُطِيتَ مَعَادَاتَهُ بِمَعَادَاتِكَ. تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَّعَمِدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَعَادَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا.

منم که از عذابت نهراسید؛ و از عقاب و خشمت ترسیدم. منم که بر خود جنایت کردم. منم که در گرو بلاهای خود هستم. منم که حیایم اندک است؛ و گرفتاری و رنجم طولانی است. به حق آن‌که او را از میان آفریده‌هایت اختیار کردی و به حق کسی که برای خود برگزیدی و به حق کسی که از میان مخلوقات انتخاب کردی و برای شأن خود پسندیدی؛ به حق کسی که طاعتش را به طاعت خود پیوند دادی و نافرمانی‌اش را هم‌چون نافرمانی خود قرار دادی؛ به حق کسی که دوستی‌اش را به دوستی‌ات مقرون ساختی و دشمنی‌اش را به دشمنی‌ات ارتباط دادی؛ مرا امروز به جامه بخشش و رحمت بپوشان؛ چون پوشاندن بر کسی که به پیشگاهت زاری و ناله کرد و از گناهش بی‌زاری جست و در حال توبه و درخواست آمرزشت به تو پناه آورد.

وَتَوَلَّيْنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ، وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ، وَتَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَأَتَعَبَ نَفْسُهُ فِي ذَاتِكَ، وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ. وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ وَتَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، وَمَجَاوِزَةَ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِأَمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ، وَلَمْ يَشْرَكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ. وَتَبَهَّنِي مِنْ رَقْدَةِ الْعَافِلِينَ وَسِنَةِ الْمُسْرِفِينَ وَنَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ، وَحَدُّ بَقْلِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ

الْمُتَعَبِّدِينَ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ، وَأَعِدَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوُلُ لَدَيْكَ، وَسَهَّلَ لِي مَسَلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ وَالْمُسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَالْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ.

و مرا همان گونه که اهل طاعتت و اهل قرب در درگاهت و اهل منزلت و مقام در پیشگاهت را سرپرستی می‌کنی، سرپرستی کن. و مرا مخصوص گردان، به آنچه مخصوص می‌گردانی کسی را که به پیمانت وفا کرده و خود را برای تو به زحمت انداخته و در به دست آوردن خشنودیات خود را خسته کرده. و مرا به خاطر کوتاهی در حَقَّت و تجاوز از اندازه و قدرم نسبت به حدودت و پا فرا گذاشتن از عرصه‌گاه احکامت، مؤاخذه مکن. و مرا به مهلت دادنت به بلای استدراج مبتلا مگردان؛ [استدراج عبارت است از واگذاشتن عبد به خودش تا قدم به قدم و کم کم به گناهِش ادامه دهد و در عذابش شتاب نشود؛ تا خداوند ناگهان و غافل‌گیرانه او را فراگیرد]. مانند استدراج کسی که خیر و نیکی نزدش را، از من بازداشته؛ و برای تو در رسیدن نعمتش به من، حسابی باز نکرده. مرا از خواب بی‌خبران و خواب‌آلودگی اسراف‌کنندگان و چُرَبِ به خود واگذاشتگان، بیدار کن. و دلم را در مسیری بر که اطاعت‌کنندگان را به آن به کار گرفته‌ای و عبادت‌کنندگان را بر آن داشته‌ای و مسامحه‌کاران را به آن نجات داده‌ای، متوجه گردان. و مرا از آنچه موجب دوری از تو می‌شود و میان من و بهره‌ام حائل می‌گردد و از آنچه نزد تو می‌جویم، باز می‌دارد؛ پناه ده. و پوییدن راه خیرات به سویت و پیشی گرفتن به آن‌ها را به صورتی که دستور دادی و رقابت در آن‌ها را به نحوی که خواستی، برایم هموار کن.

وَلَا تَمَحَقْنِي فِيمَنْ تَمَحَقُ مِنَ الْمُسْتَخْفِينَ بِمَا أُوْعَدْتَ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ، وَلَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَن سُبُلِكَ، وَنَجِّنِي مِنَ عَمْرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوْءِ، وَأَجِرْنِي مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ، وَحُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي وَهَوَى يُؤْبِقُنِي وَمَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِي. وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَمْتَحِنْنِي بِمَا لِأَطَاقَةٍ لِي بِهِ فَتَبْهَظُنِي مِمَّا تُحْمَلْنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ.

و مرا در زمره کسانی که تهدیدت را سبک می‌شمارند و به این خاطر نابودشان می‌کنی، نابود مکن. و همراه کسانی که متعرض خشمت می‌شوند و به این سبب هلاکشان می‌کنی، هلاک مکن. و در جمع کسانی که از راه‌های منحرف می‌شوند و به این جهت درهم‌شان می‌کوبی، درهم مکوب. و مرا از گرداب‌های فتنه نجات ده و از آزمایش و آسیب سخت بلا رهایی ده و از غافلگیر شدن در عرصه مهلت پناه ده. و بین من و دشمنی که گمراهم می‌کند و هوای نفسی که نابودم می‌نماید و کاستی و کمبودی که در تنگنایم قرار می‌دهد، فاصله انداز. از من روی مگردان، هم‌چون روی‌گرداندن از کسی که پس از خشمت، از او خشنود نمی‌شوی. و از امید به

حضرت ناامیدم مکن تا یأس از رحمتت بر من چیره شود. و بیرون از تحمل و طاقتم، نعمت به من عطا مکن که از فزونی محبتی که بر دوش جانم می‌گذاری، گرانبارم کنی.

وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرْسَالَ مَنْ لَأْخِيرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنَابَةَ لَهُ، وَلَا تَرَمِ بِي رَمَى مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ وَزَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ، وَوَرْطَةِ الْهَالِكِينَ، وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَإِمَائِكَ، وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَرَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً.

و مرا از دست لطف و رحمتت رها مکن؛ هم‌چون رها کردن کسی که خیری در او نیست و نیازی به او نداری و راه بازگشتی برایش وجود ندارد. و مرا مانند کسی که از چشم مراقبت و حمایت افتاده و هم‌چون کسی که رسوایی از سوی تو همه وجودش را فرا گرفته دور مینداز، بلکه مرا از لغزش از پای درآمدگان و هول و هراس نسنجیدگان و لغزش فریب‌خوردگان و پرتگاه تباه‌شدگان، حفظ فرما. و از آنچه گروه مردان و زنان را به آن دچار کرده‌ای، سلامت و تندرستی‌ام بخش؛ و به مقامات و درجات کسی برسان که به او عنایت داشتی و نعمتش بخشیدی و از وی خشنود شدی و برایش زندگی ستوده و خوبی تدارک دیدی و او را سعادت‌مند از دنیا بردی.

وَطَوْفُنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا يُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ، وَأَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْدَجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ، وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، وَزَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمَنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعْنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَتَفْكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ. وَهَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ، وَأَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَسَرِبَلِنِي بِسِرْبَالِ عَافِيَتِكَ، وَرَدِّنِي رِدَاءَ مُعَافَاتِكَ، وَجَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ، وَظَاهِرْ لَدَيَّ فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ،

و گردن‌بند قطع شدن از آنچه خوبی‌ها را تباه می‌کند و برکات را از بین می‌برد، به گردنم انداز. و پرده بازایستادن از زشتی‌ها و رسوایی‌های گناهان را، بر قلبم بپوشان. و مرا به کاری هم‌چون طلب رزق و روزی و پیگیری امور دنیا و مانند آن، که جز با کمک تو به آن نمی‌رسم، چنان سرگرم و مشغول مکن تا از عبادت و طاعتی که غیر آن، تو را از من خشنود نمی‌کند، باز مانم. و از سویدای قلبم، عشق دنیای پست را که مرا از آنچه نزد توست باز می‌دارد و از طلب وسیله برای رسیدن به پیشگاهت مانع می‌شود و از به دست آوردن مقام قرب به تو بی‌خبر می‌کند، ریشه کن ساز. و تنها شدن برای راز و نیاز با خودت را در شب و روز، نظرم بیارای. و به من مقام

عصمت و خود نگاه‌داری و پرهیزی که وجود را به خشیت نزدیک می‌کند و از ارتکاب محرّمات جدایم می‌سازد و از اسارت گناهان کبیره آزاد می‌کند، عطا کن. و پاک شدن از آلودگی گناه را به من ببخش و چرک خطاها را از وجودم بزدا و مرا به جامه عافیت بپوشان و ردای آسایش را در برم کن و به نعمت‌های کامل و فراگیرت فراگیر و احسان و نعمت را پی‌درپی به من برسان،

وَأَيَّدِنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النِّيَّةِ، وَمَرْضَى الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ. وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَفُؤْتِي دُونَ حَوْلِكَ وَفُؤْتِكَ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلْقَائِلِ، وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَانِكَ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أُثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ. وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، وَحَمْدِي إِلَيْكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْهِنِّي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ.

و به توفیق و راهنمایی‌ات حمایت‌م فرما و بر نیت شایسته و گفتار پسندیده و عمل نیک یاری‌ام ده و مرا بدون قدرت و توانایی‌ات، به قدرت و توانایی‌ام وامگذار. و روزی که مرا برای دیدارت برانگیزی خوار مکن و پیش روی دوستانت رسوا مساز و یادت را از خاطر من به دست فراموشی سپار و نیروی ادای شکر را از من نابود مکن؛ بلکه در حالات فراموشی، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، مرا ملازم شکر و سپاسگزاری‌ات قرار ده و به من الهام کن که به ستایش بر آنچه عطایم کرده‌ای برخیزم و نسبت به احسانی که به من فرموده‌ای اقرار کنم. شوقم را به سویت بالاتر از شوق مشتاقان و سپاسم را نسبت به حضرتت، برتر از سپاس سپاسگزاران قرار ده، و مرا هنگام نیاز به سویت وامگذار و به خاطر گناهانی که به پیشگاهت ریخته‌ام هلاکم مکن و آن گونه که با دشمنانت برخورد بد کردی، با من مکن.

فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَأَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ. فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ. وَأَمِئْتِي مَيْتَةٌ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْفِكَ، وَصَعَّنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَعْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا.

چرا که من تسلیم و سرسپرده توام. می‌دانم که تو را بر من از هر جهت حجّت است. تو از همه کس به بخشش سزاوارتری و به احسان خورده‌تری و شایسته تقوا و شایسته آمرزشی و به بخشش گناه شایسته‌تر از عذاب

کردنی؛ و این که وجود مبارکت به پرده پوشی، از پرده دری نزدیک تر است. بر این اساس مرا زنده بدار به زندگی پاکیزه ای که بر آنچه از خیر دنیا و آخرت می خواهم بیبندد و به آنچه دوست دارم برساند؛ آن گونه که هیچ عملی که آن را ناپسند می داری، انجام ندهم؛ و آنچه را نهی کرده ای مرتکب نشوم؛ و مرا بمیران مانند میراندن کسی که نورش از پیش رویش و از جانب راستش، حرکت می کند. و مرا پیش رویت ذلیل و نزد بندگان عزیز کن. هنگامی که با تو خلوت می کنم، حقیر و پستم کن؛ ولی در میان بندگان بلندمرتبه ام فرما. از آن که از من بی نیاز است بی نیازم کن و بر نداری و تهیدستی ام در پیشگاه خود بیافزا.

وَأَعِدْنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَمِنْ الدُّلِّ وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَّعَمَدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَاحِلْمُهُ، وَالْأَخْذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَاثُهُ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَجَنِّبْنِي مِنْهَا لِوَادِئِكَ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ، وَأَشْفَعْ لِي أَوْائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا. وَلَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَلَا تَسْمُنِي حَسِيَسَةً يَصْعُرُ لَهَا قَدْرِي، وَلَا نَقِيصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي، وَلَا تَرْعُنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَلَا خِيْفَةً أُوجِسُ دُونَهَا.

و از سرزنش دشمنان و از فرود آمدن آزمایش و آسیب سخت و از خواری و رنج، پناهم ده. گناهانی را که از من خبر داری، بر من بپوشان؛ آن گونه که توانای بر انتقام می پوشاند؛ توانایی که اگر بردباری اش نبود، انتقام می گرفت؛ و مؤاخذه کننده بر گناه بود، اگر تأمل و مهلت دادنش نبود. و زمانی که در حق قومی، فتنه یا بدی بخواهی، مرا از باب این که به تو پناه آورده ام، از آن فتنه و بدی نجات ده؛ و همانطور که مرا جای نداده ای در جایگاه رسوایی در دنیایت، مرا در وضعی همانند آن در آخرت جای نده، و همراه ساز برای من آغاز نعمت هایت را با پایان آنها، و الطاف قدیمت را با جدیدترهای آن. آن قدر مهلتم مده که در کنار آن سنگ دل شوم؛ و مرا دچار بلای کوبنده ای مکن که به سبب آن آبرویم از بین برود؛ و بر من داغ پستی و حقارت مزین که به خاطر آن ارزشم ناچیز شود؛ و کاستی و کاهش در من قرار مده که به سبب آن قدر و منزلتم مجهول ماند، و آن چنانم مترسان که به وسیله آن ناامید شوم و آن گونه بیمم مده که در برابرش هراسناک گردم.

اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَحَدْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ، وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ، وَاعْمُرْ لِيْلِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَتَقَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. وَلَا تَدْرُنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهًا، وَلَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَطَّ، وَلَا نَكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ، وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمَكُّرًا بِي فِيمَنْ تَمَكَّرُ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي

عَيْرِي، وَلَا تُعَيِّرْ لِي إِسْمًا وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْصَاتِكَ وَلَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ.

ترسم را در تهدیدت و پرهیزم را از اتمام حجت و هشدارت و بیمم را هنگام تلاوت آیات قرار ده، شبم را به بیدار کردنم برای بندگی‌ات، تنهایی‌ام را برای شب زنده‌داری به خاطر حضرتت و مجرد بودنم را برای انس گرفتن به وجود مقدست و فرود آوردن حاجاتم به درگاهت؛ و روبه‌رو شدنم را با ذات مبارکت برای آزاد شدنم از آتشت و پناه دادنم را از عذابت که اهل دوزخ در آن‌اند، آبادی زندگی‌ام قرار ده. و مرا تا زمان مرگم در سرکشی‌ام سرگردان و در گرداب نادانی‌ام بی‌خبر وامگذار؛ و بر اثر خلاف‌کاری‌ها، مایهٔ پند برای کسی که پند پذیرد و عبرت برای کسی که عبرت گیرد و سبب فتنه و آزمایش برای کسی که دقت کند، قرار مده؛ و مرا در زمرهٔ کسانی که به‌خاطر مکرشان کیفر می‌کنی، کیفر مکن؛ و در ایمان و عمل، دیگری را به جای من انتخاب مکن؛ و نامم را از دفتر سعادت‌مندان تغییر مده و بدنم را دگرگون مساز و مرا مورد استهزاء بندگان و مسخرهٔ خود قرار مده؛ و مرا جز برای دنبال کردن خشنودی‌ات و انتقام گرفتن از دشمنانت، به خدمت مگیر.

وَأُوْجِدُنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَرَوْحِكَ وَرِيحَانِكَ وَجَنَّةِ نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفِرَاقِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْإِحْتِهَادِ فِيهَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ. وَأَتُحَفِّنِي بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحَفَاتِكَ، وَأَجْعَلَ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَأُحْفِنِي مَقَامَكَ، وَشَوْقِي لِقَاءَكَ، وَتُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لِأَتُبُّ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرُ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً.

و مرا از لذت بخشش و شیرینی رحمت و روح و ریحانت و بهشت دائمی‌ات، کامیاب کن؛ و به سبب گشایشی از توانگری‌ات، مزهٔ فراغت از دل مشغولی نسبت به دنیا و آنچه در آن است و پرداختن به اموری که دوست داری و نیز طعم کوشش نسبت به آنچه عامل تقرب به پیشگاه تو و در نزد توست، به من بچشان. و مرا تحفه‌ای از تحفه‌های کرامت کن، و تجارتم را سودمند ساز و بازگشتم را به قیامت، بی‌خسارت قرار ده؛ و مرا از مقام بیمناک و به لقای مشتاق فرما و به من توفیق توبه عنایت کن؛ توبه‌ای خالص که با آن هیچ گناه بزرگ و کوچکی را باقی نگذاری و هیچ گناه آشکار و پنهانی را وامگذاری.

وَأَنْزِعِ الْعِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَأَعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّنِي حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ، وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَذِكْرًا نَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ، وَوَافٍ بِي عَرْضَةَ الْأَوَّلِينَ، وَتَمِّمْ سُبُوعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَظَاهِرٌ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ. اِمْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَسُقْ كَرَامَتِمْ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَجَاوِزْ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَجَلِّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ.

و کینه مؤمنان را از دلم ریشه کن فرما و دلم را نسبت به فروتنان مهربان کن و با من چنان باش که با شایستگی؛ و به زیور پرهیزکارانم بیاری و برایم یاد خوبی در باقی ماندگان و آوازه روزافزونی در میان آیندگان قرار ده؛ و مرا از نظر مقام و منزلت، در عرصه گاه پیشتازان به ایمان و عمل درآور و گستردگی نعمت را بر من کامل کن و کرامت‌های نعمت را نزد من پی‌درپی قرار ده. دستم را از عطاهایت پر کن و موهبت‌های گرانقدرت را به سویم فرست و مرا همسایه پاکیزه‌ترین دوستانت در بهشتی که برای برگزیدگان آراسته‌ای، قرار ده؛ و مرا به عطایای بزرگ در مقاماتی که برای عاشقانت آماده کرده‌ای، بیوشان.

وَأَجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَمَثَابَةً أَتَّبُوهَا وَأَقْرَبَ عَيْنًا وَلَا تُقَايِسِنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي ﴿يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾ وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَأَجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَأَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَوَقِّرْ عَلَيَّ حُطُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ. وَأَجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَأَسْتَعْمِلُنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ.

و برایم نزد خود جایگاهی قرار ده که با دلی آرام در آن پناه گیرم و منزلی که در آن سکونت گزینم و دیده به آن روشن کنم و مرا با گناهان بزرگ مقایسه مکن و در آن روزی که رازها آشکار شود، هلاکم مساز؛ و هر شک و شبهه‌ای را از من پاک کن و از هر رحمتی به سوی حق راهی برایم قرار ده و نصیب ارمغان‌هایم را از عطایای سرشار فرما و بهره‌های احسان از فضل و بخشش را بر من فراوان کن. و دلم را نسبت به آنچه نزد توست مطمئن ساز و آهنگ و قصدم را برای آنچه که برای توست، از هر چیز دیگر فارغ کن؛ و مرا به کاری که بندگان خالصت را برای آن به کار گرفتی، به کار گیر؛ و قلبم را از طاعتت به هنگام غفلت عقل‌ها، نسبت به حقایق سیراب کن.

وَأَجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعِفَافَ وَالِدَّعَةَ وَالْمُعَافَاةَ، وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تُحِبِّطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ. وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَذُبِّنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ، وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوٍ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاظَةً تَقِينِي بِهَا، وَأَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِينَ، وَأَنْتُمْ لِي إِنْعَامُكُمْ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ.

و فراهم آور برای من توانگری و پاک‌دامنی و آسایش و بهبودی و تندرستی، گشایش و آرامش و سلامت را، و خوبی‌هایم را با گناهی که با آن‌ها آمیخته می‌شود و خلوت‌هایم را به وسوسه‌ها و مفسادی که از طریق آزمایشت



برایم پیش می‌آید، تباه مساز. و آبرویم را از این که دست‌گذاری نزد کسی از جهانیان دراز کنم حفظ فرما، و از درخواست آنچه نزد بدکاران است برکنارم دار و مرا پشتیبان ستم‌کاران و دست‌یار و یاور آنان برای نابود کردن قرآنت قرار مده؛ و از جایی که خود آگاه نیستم، چنان نگاهبانم باش که به سبب آن، از هر ناراحتی نگهداری‌ام کنی؛ و درهای توبه و رحمت و مهربانی و روزی گسترده را به رویم بگشا. من از مشتاقان به سوی توام. نعمت دادنت را درباره‌ام کامل کن، همانا تو بهترین نعمت‌دهندگانی.

وَأَجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبْدِينَ.

و باقی‌مانده عمرم را برای طلب کردن خشنودیات در حج و عمره قرار ده، ای پروردگار جهانیان! و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش و سلام بر او و بر آنان؛ سلامی پیوسته و جاودانه!